حاشیه ناتمام

یکی از حاشیه‌هایی که در خاطرم مانده حاشیه منطق منظومه است. مباحثه منظومه می‌کردیم. رسیدیم به بحث تواطی و تشکیک. فکر کردم و مباحثه کردم. بعد شروع کردم که آن را بنویسم. نوشتم:

> **قوله: غوص فی المتواطی و المشکک**
>
> **اعلم ان کل مفهوم یحکی عن شأن من شؤون الحقیقة و ما له الا فرده الذاتی اذا لوحظ بشرط لا کالبیاض، فالا تشکیک باذات فی المفهوم و لا تفاوت فی افراده و انما التفاوت ینشأ من اتحاد الفرد الذاتی مع غیره اذا لوحظ المفهوم لا بشرط، فعروض التشکیک للمفهوم یکون بالعرض مطلقا**[1]

«**اعلم ان المشکّک...**»؛ چهار سطر آن را نوشتم که هنوز هم هست. تا الآن مانده است. علی القاعده باید برای ده ی شصت باشد. شاید سال ۶۳ ای ۶۴ بوده. بیشتر از بیست سال است. یعنی تا می‌خواهی آن را تمام کنی، جوانب مختلف بحث هجوم می‌کند.

کسانی که در تشکیک خوب کار کرده‌اند، جاهایی را که به قول آن استاد به جای برهان، مخاطبشان را زان می‌کنند، می‌فهمند. یعنی مغالطات و مخلوط کاری هایی که می‌شود را می‌فهمند. دیگران به‌راحتی تسلیم می‌شوند و می‌گویند به به! چه حرفی خوبی بود! اما کسی که کار می‌کند، می‌بیند که در اینجا مطلب با مخلوط شدن دارد جلو می‌رود.

زان کردن؛ اقامه برهان

خدا رحمت کند آن استاد را[2]! مرحوم آخوند[3] چند روز حرف دیگران را در کرده بود و بعد می‌خواست حرف خودش را اثبات کند. استاد این جمله را فرمودند-این جمله برای من همینطور مانده و خاطره شده- فرمودند: تا حالا آخوند به حرف دیگران ایراد می‌گرفت، حالا که خودش می‌خواهد اقامه برهان کند، طرف را زان می‌کند! ما منتظر هستیم که برهان بیاوری اما زان می‌کنی؟! زان کردن، اقامه برهان نیست!

---

[1] تعلیقه بر شرح منظومه (بخش منطق)، ص ۱۷، برای مشاهده تصویر تعلیقه به سایت فدکیه مراجعه فرمایید.

[2] آیت‌الله حسن زاده آملی قدّس سرّه

[3] آخوند ملاّصدرا علیه الرحمه

بازبینی #1
ایجاد شده 22 مارس 2025 13:06:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مارس 2025 13:09:36 توسط ... .